



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۱/۱۹

محمد مُحق

## نشست دوحه

و پرسش از موانع صدای واحد از افغانستان غیر طالبانی  
دوحه اکنون برای بسیاری از شهروندان افغانستان نام خوش‌یمنی نیست زیرا تداعی کننده فروپاشی یک نظام، بی‌دولتی یک کشور و اسیر شدن یک ملت در دست یک گروه افراطی مسلح است. مردم نگرانند که این کوه دیگر چه موشی خواهد زاید!

آنچه نگرانی را دوچندان می‌سازد تنها پیشینه ناخوشایند مذاکرات دوحه نیست، بلکه افزون بر آن پراکندگی و ناهماهنگی نیروهای غیر طالبانی افغانستان است که علی‌رغم شمار انبوه‌شان نتوانسته‌اند تا اکنون چتر مشترکی برای همکاری پیدا کنند و خواسته‌های افغانستان غیر طالبانی را در سطح جهانی بازتاب دهند.

یک علت آن مدل رهبری سیاسی در این کشور است که با معیارهای معقول و پذیرفته‌شده در علم رهبری همخوانی چندانی ندارد. برای نمونه، یکی از معیارهای اساسی برای رسیدن به رهبری در اکثر کشورها توانایی شخصیت‌ها برای ایجاد اجماع در میان گروه‌های مختلف است. در این کشور به عکس، اکثر رهبران از طریق انشعاب و جدا شدن از بقیه ادعای رهبری می‌کنند و همه توانایی خود را در ایجاد گروه‌های جدیدتر، کوچکتر، و بی‌معناتر به نمایش می‌گذارند. رهبری سیاسی در افغانستان، جز در موارد بسیار اندک، نمونه تمام‌عیار از ایگوی رهبران سیاسی و خودخواهی‌های آن‌هاست.

عامل دیگر فقدان دید راهبردی و به اصطلاح نگاه ستراتیژیک در میان اکثر گروه‌های سیاسی است. احزابی در افغانستان وجود دارند که نیم قرن یا بیش‌تر از عمرشان می‌گذرد، اما در کارنامه آن‌ها جز اعلان مخالفت با احزاب دیگر در یک مقطع تاریخی و ائتلاف با همان احزاب در مقطع تاریخی دیگری دیده نمی‌شود؛ ائتلاف‌ها و اختلاف‌هایی معامله‌گرانه و به دور از هر گونه نگاه بلندمدت به آینده.

عامل سوم ناتوانی در زمینه گفتگو است. گفتگو در واقع تلاشی است برای درک طرف مقابل و فهمیدن منافع، دیدگاه‌ها و برنامه‌های او. از این منظر، گفتگو فرایندی معطوف به درک و تفاهم است نه صرف تکرار مواضع و کوبیدن بر طبل خواسته‌های تکراری. بلوغ سیاسی یک جامعه را می‌توان از میزان آگاهی آن به اهمیت گفتگو و میزان توانایی آن در به کار بستن این مهارت تشخیص داد. به عکس، جریان‌های سیاسی نابالغ موجودیت و موفقیت خود را در تداوم بحران می‌دانند و اگر به ناچار تن به مذاکره‌ای هم بدهند در پی حل منازعه نیستند بلکه می‌خواهند لجاجت و سخت‌سری خود را به نمایش گذاشته و مواضع کهنه و بحران‌ساز خود را یک بار دیگر تکرار کنند.

وضعیتی که امروزه گروه‌های سیاسی مخالف طالبان گرفتار آنند زاده این فرهنگ سیاسی معیوب و نارساست. هنوز خودخواهی‌ها، کوچک‌اندیشی‌ها، کوتاهی‌ها، و ناتوانی در زمینه گفتگو و تفاهم اجازه نمی‌دهد تاریخی به پایان این تفرق و چنددستگی تصور کرد. باید احزاب سیاسی، گروه‌های اجتماعی و جریان‌های مدنی افغانستان راهی به طرح آواز مشترک پیدا کنند، چه در زمان برگزاری نشست دوحه و چه در زمان هر نشست دیگری. باید جهان بدانند که افغانستان غیر طالبانی افغانستانی قوی‌تر، رنگارنگ‌تر، رشدیافته‌تر، و به حل مشکلات کشور تواناتر است.

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ